



عکس تزیینی است

بررسی اثرات منفی افزایش اجاره‌بهای مغازه‌ها و واحدهای تجاری

سه گانه خودکشی قتل و زندان مستأجران

در این اوضاع تب‌دار اقتصادی، باید مغازه‌دار باشی تا بدانی عقب افتادن کرایه سرمایه یعنی چه. باید کاسب باشی تا کاپوس برگشت خوردن چک‌های سر ماه خواب و خوراک را به چشمت حرام کند. خدا آن روز را نیاورد که صاحب مغازه یک‌دفعه هوس بالا بردن اجاره به سرش بزند و نداند چطور با این افزایش اجاره‌بها، خون کاسب مغازه‌دارش را در شیشه‌کرده است. این‌هایی که گفتیم، خیالبافی نیست، بلایی است که چند سال است بر سر صاحبان شرکت‌های تجاری و مغازه‌دارها نازل شده و از کار و زندگی ساقط‌شان کرده است. مستأجران ملک‌ها و صاحبان شرکت‌های تجاری چنان لای منگنه پر قدرت افزایش اجاره‌بها گیر کرده‌اند که بسیاری‌شان در مغازه و شرکت‌شان را تخته کرده و سراغ دستفروشی رفته‌اند تا نان شب‌شان را تأمین کنند. بعضی هم به چنان مشقتی افتادند که دست به سرقت زدند یا حتی جان خود و اعضای خانواده‌شان را گرفتند.

لیلا حسین‌زاده

تپش

♥ قتل برای اجاره مغازه

سال ۹۷ رضامدیر یک شرکت تجاری بود و آن زمان، اوضاع کار و بارش حسابی سکه بود و سود می‌کرد، اما با تورم و افزایش اجاره‌بها، دخل و خرجش دیگر با هم نخواند: «اوضاع که این‌طور شد، کارمندانم را تعدیل کردم، ولی چون اجاره‌بهای شرکت بالا بود، این‌کار هم جواب نداد و شرکت را به‌طور کل منحل کردم و ورشکسته شدم. بعد هم بدهی بالا آوردم و از آن طرف هم صاحب ملک فشار می‌آورد و کرایه‌اش را می‌خواست. همین باعث شد یک روز که در حال رفتن به خانه بودم، برق طلای زن همسایه چشم‌انم را بگیرد. اگر آن طلاها را به دست می‌آوردم، می‌توانستم اجاره‌های عقب افتاده شرکت را بدهم و آن رازوی پا نگهدارم. بین خیر و شر گرفتار شده بودم و بالاخره هم شر برنده این نبرد شد. به‌صورت ماسک زدم و با زور جاقو وارد خانه شدم اما آن زن مرا شناخت و با هم درگیر شدیم. با چاقویی که دستم بود چند ضربه به گلوش زدم و وقتی از مرگش مطمئن شدم، طلاهایش را سرقت کردم.»

یکی از همسایه‌ها رضا را در حال خروج از خانه مقتول دیده بود و با افشای راز قتل، خیلی زود دستگیر و طلاها از زیر تخت‌خوابش پیدا شد. برای رضا حکم قصاص صادر شده و حالا در زندان زیر تیغ است.

♥ با این وضع مالخر می‌شویم

ما زیار هم یکی از کسبه مجتمع‌علاءالدین است که مغازه جمع و جوری را در این اجاره کرده است. او می‌گوید بار سال ۵۵ میلیون تومان اجاره می‌داد، اما امسال ۷۰ میلیون تومان شده است. «ما هرکاری کنیم، سودش را فقط صاحب ملک می‌برد. همین باعث می‌شود تا کسبه بی‌خیال کار شده و سراغ شغل دیگری بروند یا سراغ کارهای خلافی مثل خرید و فروش کالاهای سرقتی بروند تا سودی به دست‌شان برسد و کرایه را پرداخت کنند. اگر از علاءالدین بروی و یک مغازه کوچک اجاره‌کنی، امکان ندارد زیر ۲۰ میلیون تومان گیرت بیاید. آنجا هم چون

واسطه اجاره‌بهای بالا، تورم و مشکلات اقتصادی نتوانند در میان مدت به یک درآمد ثابت دست پیدا کنند. در این بین، برخی از آنها ممکن است به سمت ارتکاب اقدامات مجرمانه سوق پیدا کنند که البته این مسأله را نمی‌توان به تمام افراد تعمیم داد اما با نچرخیدن چرخ زندگی برای تأمین معاش، ممکن است به هرکاری دست بزنند.»

اودر ادامه هشدار می‌دهد: «افزایش غیراصولی اجاره‌بها خالی از پیامد نیست و با ارتکاب جرم، امنیت خانواده و جامعه به خطر افتاده و پایگاه و منزلت اجتماعی و حیثیت فرد نیز خدشه‌دار می‌شود. برخی از این افراد به دلیل تحمل نکردن شرایط موجود، ممکن است تنش‌هایی با همسر و فرزندان خود داشته باشند و چه بسا به اعمال خشونت و حتی رها کردن اعضای خانواده منجر شود.»

موسوی چلک یک نگرانی عمده دارد و آن هم خودکشی افراد در بحران‌های اقتصادی است: «تحلیل‌های اجتماعی‌نشان می‌دهد وقتی حال اقتصاد خوب نیست و مردم در تأمین معاش روزانه خود با بحران جدی مواجه هستند، ممکن است به خودکشی فکر کنند؛ موضوعی که جامعه‌شناسانی مانند دورکیم به‌صراحت به آن اشاره کرده‌اند. هرچندگاهی گزارش‌هایی از این دست در داخل و خارج کشور به گوش می‌رسد. ضمن این که بحران کرونا هم به این اوضاع نامساعد دامن زد. کرونا زمانی اتفاق افتاد که قبل از آن هم حال اقتصاد کشور خوب نبود، با این‌که وجه مشخصه کرونا بهداشتی بود اما تمام بخش‌های جامعه از جمله اقتصاد را تحت تأثیر خود قرار داد. براساس گزارش‌های ارائه شده از سال‌های اول ورود کرونا به کشور، تعطیلی کارگاه‌ها، ورشکستگی مراکز تجاری و بیکاری بخش اعظم جامعه از یک سو و افزایش اجاره‌بها توسط مالکان از سوی دیگر، باعث شد تا فشار اقتصادی حاصل از آن برای بسیاری از مردم قابل تحمل نباشد و ماباریه جدیدی از طلاق و رهاشدگی به‌ویژه برای مردان مواجه شویم که آثار سوء این بیکاری روی فرزندان قابل مشاهده است. وضعیت نامناسب اقتصادی و ناتوانی دولت در مدیریت این حوزه، سبب گسترش هرچه بیشتر بحران شد و نوعی بی‌اعتمادی، بی‌اطمینانی و ناامیدی در سطح جامعه ایجاد کرد. با کاهش امید و فشار همه جانبه، افراد تحت تأثیر استرس، فشار و افسردگی قرار گرفته و روال عادی زندگی آنها دستخوش تغییرات منفی شد که پناه بردن به مصرف الکل، مواد مخدر و خودکشی می‌تواند از عوارض این بحران‌ها باشد. ضمن این که در سایه چنین بحرانی ممکن است اختلالات روحی-روانی، استرس‌ها، افسردگی، احساس تنهایی و بی‌پناهی و سرخوردگی افزایش پیدا کرده و موجب بروز خشونت و ارتکاب جرم علیه خانواده و سایر افراد جامعه شود.»

وجه دیگر این اوضاع نابسامان اقتصادی که رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران به آن اشاره می‌کند زندانی شدن نان‌آور خانواده است که بحرانی جدید به بحران‌های قبلی اضافه می‌کند: «شکایت مالک از اجاره‌کننده به دلیل نپرداختن مطالبات و تعهدات باعث می‌شود فرد شاید برای اولین بار زندان را تجربه کند که همین مسأله تأثیر منفی روی خانواده و فرزندان می‌گذارد. اثرات منفی وضعیت نامطمئن فعلی فقط محدود به افراد نیست و حتی اطرافیان و سایر اشخاص نیز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند که افزایش این روند می‌تواند افکار عمومی را متاثر کرده و بی‌اعتمادی را نسبت به نداشتن یک چشم‌انداز امیدوارکننده در سطح جامعه گسترش دهد.»

مشتری درست و حسابی ندارد، کلش ضرر است.»

♥ از پیک موتوری تا موبایل قاپی

شرکتی که محسن به عنوان پیک موتوری در آن کار می‌کرد هم اول اوضاع خوبی داشت، اما وقتی مسؤولان شرکت دچار مشکل مالی شدند، کل نیروها را اخراج و شرکت را هم تعطیل کردند. محسن پس از مدتی جست‌وجو در شرکتی کار پیدا کرد، اما این شرکت هم به مشکل مالی خورد و ورشکسته شد: «همه‌جا همین بساط بود و شرکت‌ها چند وقت بعد تعطیل می‌کردند. وقتی دیدم اوضاع این‌طور است، سراغ موبایل قاپی رفتم تا حداقل درآمد ثابتی داشته باشم. درآمدش بیشتر از کار در شرکت بود اما شب خواب راحت نداشتم و همیشه استرس با من بود.»

♥ عواقب ناگوار افزایش شدید اجاره‌بها در بخش تجاری

سید حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، یکی از مهم‌ترین مضرات حال مردم را افزایش غیرمنطقی اجاره‌بهای خانه‌ها، مغازه‌ها و شرکت‌های اداری-تجاری می‌داند و می‌گوید: به دلیل شرایط اقتصادی موجود، روند روبه رشد اجاره‌بها در چند سال اخیر منطقی نیست و متأسفانه این تصور در ذهن برخی مالکان وجود دارد که هزینه‌های اضافی خود را باید از جیب مستأجران تأمین کنند و در سایه چنین شرایطی باید منتظر تعطیلی محل‌های کسب و کار یا کاهش کیفیت محصولات تولیدی از سوی تولیدکنندگان باشیم. اگر دخل و خرج افراد با یکدیگر تناسب نداشته باشد، گاهی ممکن است فرد محل کسب خود را رها کرده و سراغ دستفروشی و مشاغل برود که روزی انجام آن را تصور نمی‌کرد. وجه دیگر افزایش غیرمنطقی اجاره‌بها در سال‌های اخیر، این است که بخشی از این افراد به‌ویژه افرادی که خرده‌فروش یا دستفروش بودند و پیش از تورم نیز درآمد آن چنانی نداشتند به